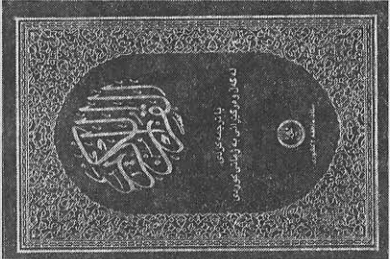


گفت و گو با دکتر محمدصالح ابراهیمی نخستین مترجم قرآن به زبان کردی

کاری سترگ نیازمند حساسیت ناشر

● دکتر محمدصالح ابراهیمی: ترجمه قرآن به زبان کردی از محدودیتهای ایران فراتر رفت و در کشورهایمانند عراق و سوریه پخش شد، حتی با نسخه های تکثیرشده غیرقانونی و باکیفیت نازل



بازتاب اثر در میان طیف خوانندگان ایرانی و غیرایرانی کرد چگونه بود؟

استقبال، شگفت انگیز بود، بیشتر از آنچه تصور می شد کتاب از محدوده ایران فراتر رفت، در عراق و سوریه پخش شد و در مطبوعات آن کشورها منعکس گردید. اما آنچه از آنکه بیشتر در دست خوانندگان می یافتیم، نسخه های تکثیر شده و غیرقانونی از این ترجمه قرآن بود که با کیفیت بسیار نازل و قیمت چند برابر به فروش می رسید. نمی دانم شاید اشکال کار از عملکرد ناشر بود چرا که پس از آن نیز گویا این اثر پنج بار تجدید چاپ و توزیع شده است بدون این که مر اطلاع کنند. به هر حال به نظر می رسد که توزیع کتاب و نظارت بر آن به هیچ وجه مناسب نبوده است. به خاطر همین بود که دیدن نسخه های تکثیر شده در جایی مثل سوریه مرا به حیرت واداشت.

نحوه قرارداد و واگذاری کتاب چگونه است؟ امتیاز کامل آن را فروخته اید یا در هر چاپ حق ترجمه دریافت می کنید؟

من در آغاز تنها در اندیشه چاپ اثر بودم. بنابراین صحبت قرار داد با ناشر نکردم و ناشر هم چیزی در این باره به من نگفت. تنها پس از چاپ اول چندین جلد از کتاب را برایم فرستادند اما چاپ اول کتاب، غلطها و نارساییهای زیادی را در حروفچینی و اعرابگذاری به همراه داشت. بنده اصلاحیه کامل و مفصلی تنظیم کردم و ارائه دادم اما عجله غیر معقول ناشر در چاپهای بعدی، حتی مجال رسیدگی به آنها را نیز سلب کرد و کتاب با همان غلطهای چاپی چند بار دیگر عرضه شد. بدون پرداخت کمترین حق الزحمه و اعمال اصلاحیه اکنون نیز کتاب را به ناشر دیگری نمی توانم بسپارم زیرا سازمان تبلیغات اسلامی، نشان خود را بر این کتاب زده است و ناشر آن دیگر ملاحظه حقوق ناشر را می کند. دغدغه اصلی من، نحوه انعکاس اثر است. اما جا داشت ناشر محترم مرا در جریان چاپهای مکرر بعدی اثر قرار می داد تا هم حقوق تألیف محفوظ بماند و هم آن اصلاحیه مفصل و مهم بی نتیجه رها نشود. چرا که



حساسیت این گونه آثار در رسم الخط، شکل تلفظ و مسائل مربوط به آن بسیار زیاد است و چه بسا یک حرف اشتباه یا یک اعراب نابجا، تملی معنای یک عبارت را تغییر دهد و اثر را تحریفی ناخواسته، مواجه کند.

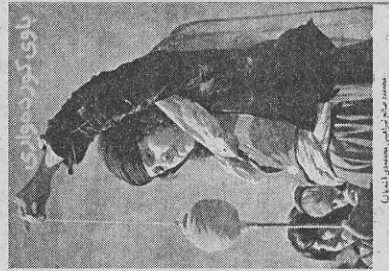
دکتر محمدصالح ابراهیمی دارای تألیفها و ترجمه های دیگر به زبان کردی است از جمله گنجینه فیه رنگ و زلین، باوی کورده واری، تفسیری فاتحه الکتاب، کوزانی فیه رنگی زمایی کوردی، شاره هنگ، نینسان و بوا، زیندوی کوردی نیدار، زرزیره ی زبیرین و... که به چاپ رسیده اند.

نداشت. در این گونه موارد به ترجمه های فارسی آن مراجعه می کردم. ترجمه های فارسی در اغلب موارد از عهده کار برآمده بودند. این بود که ترجیح می دادم صورت اصلی کلمات را عیناً منتقل کنم و توضیحات مربوط را به حواشی و شرح ضمیمه آن اکتدار کنم.

با توجه به این که این اثر نخستین ترجمه قرآن به زبان کردی است، پذیرش آن در میان ناشران چگونه بوده است؟

هر ناشری طبیعتاً در وهله نخست، به محدوده بازار و طیف خوانندگان اثر توجه می کند. این گونه آثار، آن هم به زبانی با بستر قومی و اقلیمی بسیار محدود، گستره اندکی از مخاطب عام و حتی خاص را در بر می گیرند.

در ابتدای امر، سعی کردم توجه چند تن از دوستان کرد خود را که از لحاظ بضاعت مادی و معنوی، امکانات قابل توجهی را در اختیار داشتند جلب کنم که البته کاری بیفایده بود، چرا که برای آنها خطر پذیری این



مجموعه آثار محمدصالح ابراهیمی

کار مترادف بود. با نحو بازگشت سرمایه و تبعات بعدی آن، در همان دوران بود که با پیکربندی مداوم و طاقتور ساو تملیهای متعدد، ما در اکثر پژوهشی و خصوصاً حوزه هنری، سرانجام سازمان تبلیغات اسلامی کار نشر کتاب را بر عهده گرفت. حدود سال ۱۳۷۶.

تا به امروز کتاب آسمانی قرآن به بیش از ۵۰ زبان زنده دنیا ترجمه شده است که شماری از آنها زبانه های رسمی ملتها و برخی زبانها و کوششهای محلی و بومی اند. زبان کردی با پیشینه غنی فرهنگی و با آن وسعت فراگیر ادبی، این بار خود را در کار دشوار ترجمه قرآن کریم آزموده است.

دکتر محمدصالح ابراهیمی نویسنده و مترجم، پژوهشگر علوم قرآنی و معارف اسلامی و مدرس دانشگاهها و مراکز علوم اسلامی. این عرصه خطیر را پیمووده و به انجمنی نیکو رسانیده است. ابراهیمی صاحب تألیفات متعدد در زمینه های گوناگون دین، تاریخ دین، فلسفه دین و نیز پژوهشهایی جامع و مفصل در ابعاد گسترده بومی و فرهنگی زادگاه خود کردستان است.

خاستگاه ذهنی او در اجرای این طرح عظیم به سالها پیش بازمی گردد. آن هنگام که به عنوان طلبه و در محیطی محدود و به شرح و تفسیر موضوعی و ساختاری قرآن می پرداخت:

«سال ۱۳۶ بود که عشق و دغدغه من برای شرح و تفسیر قرآن مجالی نمود پیدا کرد. زمانی که در جامعه طلبگی و در محضر استادانم در مهیاد بودم، در دوران تحصیلم در دانشگاه در جست و جوی منابع و مآخذ معتبر تر و جامعتری برای شرح مفاهیم قرآنی برآمدم. در همان دوران بود که مطالعات بی وقته و مستمر خود را بر تفاسیر «جوهر»، «المنال»، «گازر»، «کشاف» و چند منبع غیر تفسیری دیگر به انجام رساندم و ترجمه قرآن را کامل کردم. اوایل انقلاب بود که این کار به نمر رسید و پس از یک دوره کوتاه وقفه بازنگری نهایی بر مبنای تفاسیر «المیزان» و «امونه» صورت گرفت و ترجمه و تفسیر قرآن به زبان کردی با حلقه ها و افزوده های بسیار نسبت به دستنوشته های اولیه آماده چاپ شد.»

در کار ترجمه قرآن به زبان کردی با چه مشکلات زبانشناختی روبرو بودید؟

گاه در زبان کردی معادلی برای کلمه وجود